

جزئیاتی از حمله به دانشگاه تهران

۲۳ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۱۶:۲۷

در سال ۱۳۴۰ دانشگاه تهران که یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور بود و از نظر سیاسی کانون مهم‌ترین حوادث سیاسی محسوب می‌شد توسط عوامل حکومت مورد حمله قرار گرفت. دلایل این حمله از دیدگاه‌های مختلفی بررسی شده است. اما بسیاری از منابع دلیل این حمله را دستور مستقیم محمدرضا شاه دانسته‌اند. اما سوالی که مطرح است این است که چرا شاه دستور این حمله را داد؟ پاسخ این سوال در ادامه مطلب مورد بررسی قرار گرفته است.

در سال ۱۳۴۰ دانشگاه تهران که یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور بود و از نظر سیاسی کانون مهم‌ترین حوادث سیاسی محسوب می‌شد توسط عوامل حکومت مورد حمله قرار گرفت. دلایل این حمله از دیدگاه‌های مختلفی بررسی شده است. اما بسیاری از منابع دلیل این حمله را دستور مستقیم محمدرضا شاه دانسته‌اند. اما سوالی که مطرح است این است که چرا شاه دستور این حمله را داد؟ پاسخ این سوال در ادامه مطلب مورد بررسی قرار گرفته است.

جزئیاتی از حمله به دانشگاه

حمله به دانشگاه تهران در بهمن ۱۳۴۰ و در دولت علی امینی از اعضای جبهه ملی اتفاق افتاد. دلیل حمله ظاهراً تعطیلی دانشگاه تهران بود که توسط عده‌ای از دانشجویان در اعتراض به تعطیلی مجلس شورای ملی اتخاذ شده بود. شاه که به دنبال بهانه‌ای برای خدشه‌دار کردن دولت امینی بود، این فرصت را غنیمت شمرد و دستور حمله را صادر کرد. فرماندهی این حمله با منوچهر خسروداد بود. او با نیروهای تحت کنترل خود به دانشگاه حمله برد و عده زیادی از دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داد. در این زد و خورد عده زیادی از دانشجویانی که از ماهیت امر آگاهی نداشتند، و نیز مأمورین انتظامی که برای مهار بحران به دانشگاه هجوم آورده بودند مجروح شدند و دانشگاه تعطیل گردید. هدف اصلی تظاهرات این روز ابراز همدردی دانشجویان دانشگاه تهران با دانشجویان دانشسرای عالی بود که کمک هزینه تحصیلی آنها قطع شده بود.^[۱]

در رابطه با تعداد مجروحین دانشگاه اطلاع دقیقی در دست نیست. اما بسیاری از منابع بر زخمی شدن تعداد زیادی از دانشجویان صحه گذاشته‌اند. چنانچه به نقل از یکی از منابع، در این حادثه در حدود ۲۰۰ نفر پلیس و دانشجو زخمی شدند و به تأسیسات و آزمایشگاه‌های دانشگاه تهران صدمات زیادی وارد آمد. پس از این حادثه، به دستور دولت، دانشگاه تا اطلاع ثانوی که ۷۴ روز طول کشید، تعطیل شد.^[۲]

دلیل حمله به دانشگاه چه بود؟

در پاسخ به این سوال، روایت‌های متعدد و البته متفاوتی نقل شده است. یکی از روایت‌ها این است که حمله مزبور به دلیل تحریکات اعضای جبهه ملی صورت گرفت. ظاهراً جبهه ملی به دلایل سیاسی با نخست‌وزیری امینی مخالف بود. به عبارتی جبهه ملی، هر گونه همکاری با حکومت پهلوی را در آن مقطع ممنوع کرده بود. از این رو به نخست‌وزیری امینی با سوظن و بدبینی می‌نگریست. اما این دیدگاه چندان درست به نظر نمی‌رسد. به خصوص آنکه درست بیست و چهار ساعت بعد از وقوع حادثه ابعاد آن بیشتر معلوم شد. همزمان با واقعه دانشگاه در برخی دیگر از نقاط تهران نیز تشنجاتی صورت گرفت و نشان داد که ابعاد ماجرا فراتر از آن چیزی است که گمان می‌رفته است. روز بعد دولت دستور بازداشت عده‌ای از چهره‌های مشهور سیاسی را در ارتباط با این ماجرا صادر کرد. این افراد ده تن بودند که در بین آن‌ها نام فتح‌الله فرود و اسدالله رشیدیان نیز دیده می‌شد. [۳]

روایت دوم: پشت حادثه، شخص شاه قرار داشت

در رابطه با اینکه ضرب و شتم دانشجویان با دستور مستقیم محمدرضا انجام گرفت، شکی نیست. اما سوال اصلی این است که چرا شاه چنین فرمانی را صادر کرد و آیا تحرکات دانشگاه، ناشی از توطئه حکومت بود؟ پاسخ این است که بسیاری از منابع بر نقش مستقیم حکومت در ایجاد ناآرامی در دانشگاه تاکید دارند. به گفته بسیاری از این منابع، روی کار آمدن شاه به هیچ وجه با اراده او اتفاق نیفتاد. در واقع آنچه که باعث شد تا امینی به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شود، فشار آمریکا برای اجرای اصلاحات مورد نظر خود بود. ظاهراً آمریکا برای جلب نظر مردم کشورهای جهان سوم به سوی بلوک غرب، تصمیم داشت برخی از اصلاحات از جمله اصلاحات ارضی را دیکته کند. ایران نیز در زمره این کشورها قرار داشته اما گویا وقتی موضوع اصلاحات مطرح می‌شود، شاه با آن مخالفت می‌کند. دلیل مخالفت شاه، ترس از کاهش قدرت خود بود. در واقع شهادت می‌پنداشت که با اجرای اصلاحات، ممکن است بر قدرت مردم افزوده شود و در مقابل قدرت او کاهش یابد. او تمایل داشت به همان روش نظامی، برنامه‌های خویش را پیش ببرد.

در این راستا، وقتی آمریکا متوجه شد شاه تمایلی به اجرای دستورات او ندارد، تصمیم گرفت نیروهای موردنظر خود را برای اجرای اصلاحات روی کار بیاورد. علی‌امینی از جمله این افراد بود. امینی یکی از اعضای جبهه ملی بود. بنابراین می‌توان به خوبی حدس زد که شاه از این انتخاب دچار هراس شود. به خصوص آنکه بعد از روی کار آمدن امینی، زمزمه احتمال انتخاب امینی به عنوان جانشین شاه نیز بلند شده بود. با این حال آمریکا با قاطعیت وارد گود شد و به محمدرضا پهلوی فشار آورد که هر چه سریع‌تر علی‌امینی را با اختیارات کامل به نخست‌وزیری منصوب کند شدت فشار آمریکا بر شاه به حدی بود که ظاهراً در مسافرت زمستانی سال ۱۳۳۹ او به سویس به وی اعلام شد که اگر با خواسته‌های دولت جدید آمریکا موافقت نکند با سقوط سلطنت و ریاست جمهوری امینی مواجه خواهد شد. این مطلب را بعدها در زمان صدارت امینی، مخالفین مطلع او به صراحت می‌گفته‌اند: دسته‌ای از مخالفین دولت می‌گفتند که هنگام مسافرت مقام شامخ سلطنت به اروپا مقامات آمریکایی رسماً به شاهنشاه توصیه نموده بودند که از مقام خود مستعفی گردند. [۴]

با توجه به این وضعیت، بسیاری معتقدند که حوادث دانشگاه تهران توسط عوامل شاه اتفاق افتاد تا علاوه بر ایجاد نارضایتی در میان اقدار مختلف مردم از جمله دانشجویان، آمریکا را نیز متوجه ناکارآمدی دولت امینی سازد. ظاهراً شاه در اجرای این نقشه

بسیار موفق بود. زیرا حوادث دانشگاه تهران علاوه بر آنکه تزلزل موقعیت امینی را به دنبال داشت، در نهایت باعث تغییر رویکرد آمریکا نسبت به علی امینی نیز شد. هر چند دلیل اصلی تغییر دیدگاه آمریکا، علاوه بر حادثه دانشگاه تهران، سایر اقدامات شاه از جمله ایجاد اطمینان لازم از سوی او جهت اجرای برنامه‌های مورد نظر آمریکا نیز بود.

سخن نهایی

شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تمایل بیشتری به گسترش قدرت و نفوذ خود پیدا کرد. او تمایل داشت به قدرت بلامنازع در کشور و منطقه تبدیل شود. روش شاه برای اجرای این سیاست، اقدامات نظامی و توسل به خشونت بود. البته این سیاست با پشتگرمی به آمریکا اتخاذ شد. بنابراین اجرای سیاست تبدیل شدن به قدرت برتر، مستلزم حذف رقبا و تمام کسانی بود که دشمنان احتمالی شاه و قدرت او محسوب می‌شدند. علاوه بر این، ایجاد نظر مساعد آمریکا نیز برای شاه مهم بود؛ زیرا او قدرت خود را مدیون آمریکا می‌دانست و آگاه بود برای اعمال قدرت دیکتاتوری، تکیه بر آمریکا حیاتی است. در نهایت ایجاد حوادث دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰ نیز در راستای اجرای این اهداف صورت گرفت.

[۱] - حسین آبادیان، دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۶

[۲] - علی حائری و همکاران، روزشمار شمسی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۶، ص ۷۵۰

[۳] - آبادیان، همان، ص ۲۲۶

[۴] - رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، علی امینی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹، ص ۲۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49806/تهران-دانشگاه-حمله-جزئیاتی/49806>